



وقتی به درخواست ندا عابد احمد مسجدجامعی پشت تریبون قرار گرفت، با تواضع همیشه‌گی اش شروع به صحبت کرد و گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم. من از دعوت در این جلسه خوشحال شدم و الان هم صحبت‌های دوستان مرا به زمان‌های نسبتاً دوری برد. آن روزی که خانم عابد مجوز این نشریه را گرفتند. اما خیلی نگذشت که یک روز آمدند و گفتند زندگی من به هم ریخته، دفتر نظم ندارد به نظر شما می‌شود کار را ادامه داد یا نه و مصمم بود که ادامه بدهد. من به ایشان گفتم شما می‌دانید که کار فرهنگی در ایران دشوار است هزینه دارد و ممارست می‌خواهد به خصوص در کشور ما که تصور این است که مهمترین سرمایه ما فرهنگ است ما باید در این زمینه تلاش کنیم و این سرمایه ارزشمند را حفظ کنیم و بسط بدهیم و به قول آقای اصلانی که به حق به وجوه زبانی اشاره کردند، که مسئله مهمی هم هست. بحث بین من و ایشان زیاد بود در نهایت ایشان را معرفی کردم به یک صندوق قرض الحسنه چون امکان این که ایشان را به یک بانک معرفی کنم که بتوانند علاوه بر اصل وام یک مبلغی هم بابت سود وام بپردازند وجود نداشت، من می‌دانستم در چه شرایطی هستند و چون می‌دانستم این نیاز خیلی ضروری است. من در طول همه این سال‌ها عمده‌ترین مسئله‌ام تداوم کار بوده به این دلیل که فکر می‌کردم در مسیر تداوم است که راهکارها پیدای می‌شود و افراد علاقمند و فرهیخته گانی هستند که به کمک می‌آیند و بعد حداقل قضیه این است که این چراغ روشن باشد. خوشبختانه دوستان خوبی گرداننده مجله هستند حضور خود آقای اعلم و توانایی‌هایشان از ابتدا کمک بزرگی بود و من یقین دارم که چشم انداز خوبی روبروی آزمایش و نظر من این است که در این هفت سال مجله مرحله تثبیت خودش را طی کرده مخاطبان خودش را پیدا کرده و این برای یک کار فرهنگی بسیار لازم و ضروری است حوزه‌ای هم که دوستان به آن عنایت دارند من تایید می‌کنم و می‌خواهم بگویم: جناب آقای اعلم و سرکار خانم عابد و همه دوستان عزیز که کمک می‌کنند به انتشار مجله، آن نکته اساسی که در شرایط فعلی ما به آن نیاز داریم ورود بیشتر به حوزه نقد است. اغراق نیست اگر بگویم همه سرمایه ما فرهنگ و هنر است. ما اگر در جهان به چیزی شناخته بشویم به صنعت نیست، به کشاورزی و بازرگانی نیست مادر حوزه فرهنگ قدرت جهانی هستیم در این مسئله تردید نیست. ما با شناسنامه ایرانی در دنیا یک حرف

داریم. ما سنت ادبی داریم، سنت فلسفی داریم، سنت شهرسازی داریم. کدام کشوری است در دنیا که پنج هزار سال سابقه شهری داشته باشد. همه این‌ها برای ما سرمایه و دستاوردی شده و یعنی اگر این فرهنگ به هر حوزه‌ای پیوند بخورد، آن حوزه هم رونق پیدا می‌کند اگر فرش ایران رونق دارد چون در نسبت با این سنت قرار گرفته ولی این هم به تنهایی کافی نیست. مادر دنیای امروز باید بگویم ما کسانی بوده‌ایم که چنین دستاوردهایی داشته‌ایم، هر چند هر کسی بخواهد دستاوردهای دنیای امروز را در همه حوزه‌هایش نفی کند چشمش را به واقعیت و حقیقت بسته (از همه محروم تر خفاش بود / کواکب آفتاب فاش بود) این دیگر آفتاب فاش است و ما نمی‌توانیم از این دستاوردها غافل شویم. مسجدجامعی سپس به وجود پس زمینه‌های فلسفی در حوزه دستاوردهای جدید جهانی اشاره کرد و پیوند ادبیات و فلسفه را حاصل وجود همین نگاه دانست و گفت: از همین رویکرد است که جریان نقد ادبی و نقد و نگاه نقادانه جایگاه ویژه‌ای را پیدای می‌کند وی گفت: من خاطر می‌آید که هفت، هشت سال پیش هزینه نقد خیلی بالا بود در آن سال‌ها ما کاری را شروع کردیم که امروز همه شما اساتید در جریان آن هستید آن هم انتشار کتاب ماه در حوزه فلسفه و ادبیات و تاریخ و علوم اجتماعی و کودک و... بود و رویکرد این مجلات را اطلاع رسانی و نقد قرار دادیم. خاطر می‌شود نخستین نقدهایی که در این نشریات نوشته می‌شد باین که خیلی هم دقت می‌کردیم که به کسی بر نخورد به خصوص که روحیات خود من هم اصولاً با کلمات خشن و مسئله‌دار و... بیگانه است ولی خیلی کسانی که آثارشان مورد نقد قرار می‌گرفت عصبی می‌شدند، تماس می‌گرفتند و می‌گفتند این جوانی که ما را نقد کرده شاگرد ما بوده. ولی الان این طور نیست و ما فکر کردیم اگر قرار است نقد کنیم باید فضای نقد را پیدا کنیم و نقد را نفی و توهین مسایل فردی و شخصی جدا کنیم نقد را منصفانه کنیم یعنی با حضور کسی باشد که قرار است اثرش نقد بشود با حضور کسانی باشد که پدید آورنده اثر نسبت به آن افراد احساس نوعی پشتیبانی می‌کند. همین نکته‌ای را که آقای اصلانی اشاره کردند و بسیار هم به جاست می‌بینیم که در همین واژگان معادل که برای کلمات جاری و روزمره مان انتخاب می‌کنیم چقدر مشکل داریم همین ترکیب، پست مدرن چند واژه معادل برای آن به کار می‌رود پست مدرن پست مدرنیته. پست مدرن و... یک بار من این‌ها را

شمردم شش یا هفت واژه و اصطلاح در برابر یک کلمه که کاملاً مشخص است به کار می‌رود و تازه فقط در جمع‌های تخصصی خودمان قابلیت فهم دارد و به کار می‌رود. اگر در یک جریان بحث و گفتگوی متقابل باشد و ما این ظرفیت را ایجاد کنیم که معرفت را که امری به هم پیوسته است و ما برای رشد در هر حوزه معنوی نیاز به مجموعه‌ای از معارف داریم بسط بدهیم. اگر مسئله را به این صورت ببینیم و در جلساتی به بحث و بررسی بگذاریم و به خصوص از ظرفیت جدیدی که در دهه اخیر ایجاد شد بهره بگیریم خیلی رشد می‌کنیم در گذشته نه چندان دور نویسندگان، هنرمندان و شخصیت‌های برجسته مان چند نفری بودند، الان اما خیلی آثار مختلف به وجود آمده، قبول دارم آن کسانی که می‌توانند حرفی را بزنند که ملاک قرار بگیرد بسیار اندک و محدود هستند. بالاخره اساتید عبادیان که فقط یک نفر است و مشابه ایشان کم. اما فضای گسترده ایجاد شده الان در جشنواره‌های ما، فیلم‌هایی که نمایش داده می‌شود و انواع جشنواره‌ها مثل فیلم یک دقیقه‌ای، فیلم بلند و انواع نهادهایی که شکل گرفته تعداد نویسندگان در حوزه مطبوعات و ادبیات زیاد شده برخی از نویسندگان جوان آمده‌اند و به سرعت هم توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای را کسب کنند این ظرفیت‌ها به وجود آمده، همه این‌ها زمانی می‌تواند بیشتر اثر گذار باشد که ما به حوزه نقد توجه بیشتری بکنیم و خوشبختانه این حوزه در حال حاضر مورد استقبال همه قرار می‌گیرد، یعنی جلساتی که برای نقد فیلم تشکیل می‌شود یا سه چهار جلسه‌ای که اخیراً برای نقد موسیقی برگزار شد، جلسات نقد کتاب که الان شهر کتاب متولی یک سری از این جلسات شده و این تجربه استمرار پیدای می‌کند. و این جلسات به خوبی مورد استقبال قرار می‌گیرد و اساتید هم در حوزه نقد با یکدیگر صریح گفتگو می‌کنند و این نشانه یک تحول مهم است که این طور بتوانیم با همدیگر صحبت و گفتگو کنیم و آثار هنری ادبی مان رازیر ذره بین قرار بدهیم.